

مقایسه تطبیقی بافت بومی و معاصر از منظر ریخت‌شناسی شهر ایرانی - اسلامی با رویکرد هویت گرایانه (نمونه موردی: شهر گرگان)

وحیده مجاهد

گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

وحید قبادیان^۱

گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سعید تیزقلم زنوزی

گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

شهر گرگان با پیشینه بسیار غنی و چند هزار سالانه خود و زادگاه خاندان قاجار از جمله شهرهایی است که از حیث شاخصه های ریخت‌شناسی شهرسازی ایرانی-اسلامی واجد ارزش بوده و باید مورد توجه طراحان و شهرسازان قرار بگیرد. به نظر می‌رسد که با وجود فرهنگ غنی و ارزشمند تاریخی و اصولی در زمینه ی معماری و شهرسازی در این شهر، شرایط امروزی آن بیانگر فقدان هویت در آن می‌باشد. عدم وجود یک الگوی مناسب و منطبق با رویکردهای شهرسازی ایرانی-اسلامی از مهمترین مسائل امروزی شهر گرگان است. این مسأله در تخریب بافت‌های تاریخی و شهرسازی جدید نمود ویژه‌ای پیدا می‌کند به گونه ای که معماری و شهرسازی گذشته آن رو به فراموشی رفته و هویتش در چنگ معماری مدرن روبه نابودی می‌رود. هدف از پژوهش پیش روی استخراج مولفه های ریخت‌شناسی شهرهای ایرانی - اسلامی از دید صاحب نظران و مقایسه ی بافت کهن و جدید در شهر گرگان از این منظری باشد. پژوهش پیش روی از نوع کاربردی می‌باشد، که مساله تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی بیان می‌گردد. ابتدا داده های نظری درباب مولفه های ریخت‌شناسی، کیفیت فضاهای شهری، مولفه های شهرایرانی اسلامی و مباحث تئوری از نظرات اندیشمندان و نظریه پردازان در جهت استخراج معیارهای منتخب از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه ای گردآوری می‌گردد و سپس جهت بررسی تطبیقی بافت سنتی و جدید از داده های متکی بر مشاهدات میدانی در سطح شهر استفاده می‌گردد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که چهار مولفه اصلی و هشت مولفه فرعی را می‌توان برای بافت معماری و شهرسازی بومی شهر گرگان تعیین نمود. محلات کهن شهر گرگان در بعدریخت‌شناسی، تغییرات گسترده ای در ساختار شهر ایرانی-اسلامی گرگان، نداشته اند و مولفه های ارزشمند شهرسازی ایرانی-اسلامی در آن ها کاملاً مشهودمی باشد اما ساخت و سازهای جدید بویژه در محلات کهن به دور از ضوابط شهرسازی ایرانی-اسلامی بوده و منجر به فقدان هویت شهری شده است.

کلیدواژگان: ریخت‌شناسی، شهرهای ایرانی-اسلامی، گرگان، هویت.

مقدمه

شهر مفهومی جامع و متشکل از جنبه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و محیطی است. این ابعاد در ارتباط متقابل با یکدیگر، ویژگی ها و هویت خاصی را به شهرها می دهند که عاملی برای شناسایی شهر محسوب می شود (بیرانوند و ملک حسینی، ۱۳۹۸). در شهرسازی امروز کشور، شکل شهر با مسائل مهمی مواجه است که در این بین عدم توجه به جنبه های کیفی شهر، عدم توجه به ویژگی های شهرسازی سنتی و عدم وجود رویکرد مناسب به گسترش های سریع شهری قابل توجه است. توجه به شهرسازی و معماری قدیم نشان دهنده همدلی با آن است و سیمای شهرهای بی هویت کنونی حاصل التقاط فرهنگی امروز است (نصر و ماجدی، ۱۳۹۲: ۲۶۹). مفهوم هویت شهر، آن چیزی نیست که در شکل ظاهری یک شهردیده می شود، بلکه آن چیزی است که در سرشت شهر هویدا است. اگر یک شهر دارای تناسبات و دسترسی های شهری متناسب با نیاز شهروندان، نشاط، سرزندگی و در مجموع پاسخگوی خواسته های شهروندی باشد به شکل آرمانی خود می رسد و دارای هویت می گردد و به عبارتی روشن تر معنا و مفهوم پیدا می کند.

در گذشته توسعه شهرهای ایران در محدوده قواعد نسبتاً ثابت و منسجم انجام می گرفته است و همین امر منجر به شکل گیری هویت شهری می شده است و شهرسازی سنتی ایرانی به چهار عامل زمان، مکان، فرهنگ و معنا بستگی داشته است. این عوامل ثابت نبوده اند و از منطقه ای به منطقه دیگر تغییر می کرده اند. از این رومی توان هویت شهری را در وحدت شکلی، هم آوایی شکل شهر با محیط طبیعی و بوم، پیوند واحدهای مسکونی و عناصر شهری، رعایت اصول و ملاحظات هنری و زیباشناسانه و رعایت عرصه ها و سلسله مراتب، دانست (همان منبع، ۲۷۲).

در ادوار گذشته بارشد بسیار شهرهای امروزی، ساخت و سازهای جدید و به دنبال آن تخریب و ترمیم بناهای بومی، تغییر در بافت و سیمای شهری امری غیر قابل پیشگیری بوده، به گونه ای که دیگر ردپایی از معماری گذشته در آن ها باقی نمانده است. به عبارتی روشن تر تقلید کالبدی الگوهای مدرنیته در معماری و شهرسازی معاصر منجر به بحران هویت و بیگانگی شهرها گشته و حاصلی جز چهره ی یکنواخت و نامفهوم سیمای شهری نداشته است.

شهرگران نیز از این تغییرات بی نصیب نمانده و چهره امروز شهری آن، برگرفته از معماری شهری و مدرن می باشد که فارغ از هرگونه همخوانی فرهنگی و زیست محیطی و با اختلاف بسیار ناچیز در سبک معماری، در شهرها و روستاهای نقاط مختلف کشور قابل مشاهده می باشد. این در حالی است که در گذشته بناها بر پایه خلاقیت و اصول پایدار، شکل می گرفتند و هر اقلیمی معماری ویژه خود را داشت. مطالعه ی شهرهای ایرانی - اسلامی از منظر کالبدی که حلقه ی انتقال سنت های دیرین به دنیای معاصر است، عدم وجود یک شیوه ی نظام مند در شهرهای امروزی را نمایان می سازد و تفاوت فاحش موجود در ریخت سنتی و موجود در شهرهای معاصر از دیدگاه کیفیات محیطی مرتبط، از نکات قابل توجه در بحث سیمای شهری می باشد. لذا هدف از پژوهش پیش روی، مقایسه ی مولفه های ارزشمند ریخت شناسی شهر ایرانی - اسلامی در بافت کهن شهرگران که میراث دوران قاجار می باشد و بافت عمومی شهر که از تخریب بافت کهن ایجاد می گردد با رویکرد هویت گرایانه می باشد. البته نگارنده یادآور می شود که بافت جدیدتر شهر که خارج از محلات بومی و با تفکیک زمین های جدید شکل گرفته است کارآمدتر بوده و نقاط ضعف بسیار کمتری دارد که از بحث این مقاله خارج می باشد.

مبانی نظری

ریخت شناسی شهری

ریخت شناسی یا همان مورفولوژی، منطق شناخت فرم است. این مطالعات در بسیاری از رشته ها به منظور توجه به شخصیت کالبدی، ساختار، تناسب و تغییر شکل اشیاء و عناصر متشکله ی آنها انجام شده است (Cortes). (3,2004, مورفولوژی شهری، مطالعه ای است که به بررسی شکل بافت های شهری و گونه بندی آن در وضع موجود می پردازد (محملی ایبانه، ۱۳۹۰، ۶۰). به بیانی شیواتر مورفولوژی شهری مطالعه طرح ترکیب فرم و فضای شهری است که به طراحان شهری کمک می کند تا با الگوهای محلی توسعه و روندهای تغییر آشنا شوند (Carmona, Tiesdell, Heath & Oc, 2003, 61).

زیبایی شناسی

علاقه و گرایش به زیبایی از دیرباز در ذات بشر وجود داشته است که نمود آن رامی توان در ارتباط با گزینه هایی چون احساس لذت و خشنودی، دوست داشتن، تناسب، آراستگی و در نهایت مفید بودن دانست. نقی زاده معتقد است اگر معیارهای مراتب مختلف زیبایی، در دسترس طراحان، برنامه ریزان، مدیران و شهروندان باشد امکان ارزیابی زیبایی و تعیین مرتبه آن وجود خواهد داشت (نقی زاده، ۱۳۸۹، ۵۸). به کارگیری معانی و مفاهیم زیبایی شناسی اسلامی در فضاهای شهری، علاوه بر حس زیبایی شناسی منبعث از مفاهیم اسلامی در فضاهای زیستی شهری؛ سبب توجه و بازگشت به نظام ارزشی منطبق با هویت اسلامی در شهرسازی خواهد گردید (عابدی و محمدیان یامی، ۱۳۹۴، ۱).

کیفیت

کیفیت در حالت عادی و به معنای کاملاً واضح برای وصف درجه کمال اشیاء و پدیده ها به کار برده می شود. با این حال تعیین نمودن این که چه چیزها و چه خصوصیات واقعی بیانگر درجه کمال یک شیئی هستند امری دشوار است. این واژه در طراحی شهری نیز ورود می کند و "کیفیت طراحی شهری" به مثابه کیفیت و صفتی که ذاتی محیط کالبدی بوده و به شکل مستقل از ناظر وجود دارد عنوان می گردد. به گونه ای که بسیاری از طراحان شهری کیفیت طراحی شهری را هویتی می دانند که متعلق به محیط و برآیند ذاتی فرم می باشد (گلکار، ۱۳۸۰: ۴۵-۴۲).

شهرسازی ایرانی-اسلامی

شهر ایرانی-اسلامی مشتمل بر مبانی نظری و تئوری های مربوط به اصول و ارزش هایی است که باید بر محیط زندگی مسلمین و بر روابط انسان با محیط (طبیعی و مصنوعی) و با سایر هموعان خویش (جامعه) حاکم باشند. این اصول و ارزشها از تعالیم اسلامی استخراج خواهند شد و در بردارنده ی عوامل مهم فرهنگی ملی که با آنها در تضاد و تناقض نباشند نیز هستند. در الگوی شهر ایرانی-اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و شهر متاثر از شهروندانی است که به آن هویت می بخشند و کالبد شهر بر اساس الگوها و معیارهای ویژه ای که در طی سالیان متمادی و بر اساس تجربیات و اعتقادات آنان بوجود آمده شکل گرفته است (بمانیان ۱۳۹۳: ۷۱).

هویت

وقتی سخن از هویت شهر به میان می آید، آنچه قابل تأمل است وجوه اشتراک و تمایز شهرها باهم است. صفات هویتی شهر بر صفات هویتی طبیعی و مصنوعی و انسانی شهر مستقر است. لذا آنچه به عنوان تصویر در ذهن مردم

نقش بسته است ناشی از سازمان فضایی شهر است. عدم شناخت و درک ساختار و استخوان بندی شهرها، سازمان فضایی شهرها و عدم تلاش برای حفظ و احیاء آنها موجب بروز لطمات فراوان به ارزش های نهفته در شهرها و الگوهای شهرسازی سنتی ایران شده است. شناخت هویت و مؤلفه های تأثیرگذار آن در شکل شهر، مقدمه ای است برای شناخت مدیران، برنامه ریزان شهری، تصمیم گیران و هر آن کس که در ساخت شهر نقش دارد تا شهری ساخته شود که صفات هویتی آن مطلوب و پاسخگو باشد (نصروماجدی، ۱۳۹۲: ۲۷۰).

عوامل تشکیل دهنده هویت شهر

شهر از فضای سکونت افراد جدانیست و به عبارتی روشن، شهر ترکیبی از مجموعه سکونتگاه های انسانی است که بافت شهر را تشکیل می دهد و بی شک ویژگی های سکونتگاه های بومی در ارتباط با ویژگی های فضاهای شهری است. فضا علاوه بر کالبد خویش و ویژگی های هندسی و زیبایی شناسی این کالبد، دارای معنا و یا معانی ای نیز می باشد که در خاطره جمعی جامعه نقش می بندد. علاوه بر آن، عملکردهایی را نیز در مقاطع زمانی مختلف می توان برای هر فضا تعریف کرد که به تبع آن مفاهیمی چون هویت کالبدی، هویت معنایی و هویت عملکردی شهرهای ایرانی قابل تعریف می گردد (نقی زاده، ۱۳۸۶: ۱۹۰).

هویت در شهرهای معاصر

بی شک کنکاش و مطالعه ی عناصر شهری گذشته می تواند در شکل گیری هویت شهرهای معاصر که ترکیب ناهمگونی از فرهنگ های متعدد می باشند، مثرتر باشد و آن ها را به شهرهای کهن نزدیک تر نماید. شهرسازی معاصر ایران در کشمکش بین باور سنتی و دیدگاه وارداتی غرب دست و پامی زند و این بی هویتی چهره ی شهرهای امروزی را روز به روز کریه ترمی سازد. باید توجه کرد که معماری زبانی است که شهر متن آن است. بنابراین باید توجه نمود که آنچه هویت شهری را رقم می زند، بنا یا ترکیب بناها نیست، بلکه کل شهر است که هویت شهری را رقم می زند. شهرهای ما ارزش های سنتی را کنار گذاشته اما وارد دنیای مدرن نشده اند. باید رابطه سالمی میان سنت و مدرنیته ایجاد نمود و نباید یکی را به نفع دیگری از میان برد. سنت می تواند در تعامل با نوگرایی باشد (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۶۹).

تاکنون اندیشمندان، صاحب نظران و کارشناسان بسیاری، اعم از ایرانی و غربی کتب و مقالات متعددی را در زمینه ی فضاهای شهری و همچنین مولفه های شهرهای ایرانی - اسلامی ارائه داده اند که به تعدادی از آن ها به فراخور موضوع اشاره می گردد. رضایی، به ویژگی های شهر اسلامی می پردازد و مولفه های ارزشمند شهر اسلامی از دیدگاه نقی زاده را که عبارتند از: توحید، عبادت، تقوی، هدایت، ذکر و تفکر، عدالت، اصلاح، شکر، عبرت، امنیت، احسان و میانه را به یگانگی، بندگی، پارسایی، رهنمودی، یادآوری و اندیشیدن دادگری، نیکخواهی، شکر، پندآموزی، آسایش، مهرورزی و میانه روی توصیف نموده است (نقی زاده، ۱۳۸۵، نقل در رضایی، ۱۳۹۲: ۱۷۴). وی هم چنین ارزشمندترین پایه های معماری در دوران اسلامی را که از دیدگاه عبدالحمید نقره کار عبارتند از ابر اصل عدالت محوری، اصل سیر از کثرت به وحدت، اصل سیر از ظاهر به باطن، اصل رده بندی اهداف کمی و کیفی با عناوینی چون دادگری، گذر از گوناگونی به یگانگی، گذر از آشکاری به نهانی و رده بندی آرمان های چندی و چونی که در فضاهای کالبدی پدیدار می شود ذکر می نماید (نقره کار، ۱۳۸۵، نقل در رضایی، ۱۳۹۲: ۱۷۴). عابدی و محمدیان در مقاله ی زیبایی

شناسی و بازشناسی اصول آن در معماری اسلامی نشان می‌دهند که تناسب و توزان، مقیاس، تکرار و تناوب، تقارن، تعادل، مرکزیت، هماهنگی، تشابه، تنوع و تضاد، نظم، نظم در بی‌نظمی، حرکت و آرامش، نور، آب، رنگ، شفافیت، فرم و صورت و تزئین عوامل اصلی ایجاد زیبایی بخش ساختمان‌ها در معماری اسلامی هستند (عابدی، محمدیان یامی، ۱۳۹۴: ۱). رضوانی و بهزادفر در مقاله‌ی خود با بررسی مقوله‌ی زیبایی‌شناسی و مولفه‌های صاحب‌نظرانی چون توسلی، نقره کارونقی زاده به هنجارهایی در باب ریخت‌شناسی دست‌پیدا کردند و آن را به صورت چهارمولفه‌ی اصلی نفوذپذیری، گوناگونی، همیوندی و وحدت و مولفه‌های فرعی ارتباط-پیوستگی-دسترسی-تداوم بصری-تباین-تنوع تعادل و ترکیب ارائه دادند (بهزادفر، رضوانی، ۱۳۹۴: ۸). لنگ مفهوم زیبایی رادرسه دسته‌ی زیبایی‌شناسی حسی، زیبایی‌شناسی نمادین و زیبایی‌شناسی فرمی تفکیک می‌کند و از نظری زیبایی‌شناسی فرمی به دلیل توجه خودآگاه به طراحی، بیشتر مورد نظر طراحان بوده است. نکته اصلی زیبایی‌شناسی فرمی توجه به ساختار بصری محیط است. زیبایی‌شناسی فرمی به ساختار اشکال به خاطر خودشان می‌پردازد (Lang, 1987, 180). زیبایی‌شناسی فرمی شامل تفکر نظم و متغیرهایی از قبیل ریتم، پیچیدگی و تناسب است (Tarcísio & Dias Lay, 2010: 273).

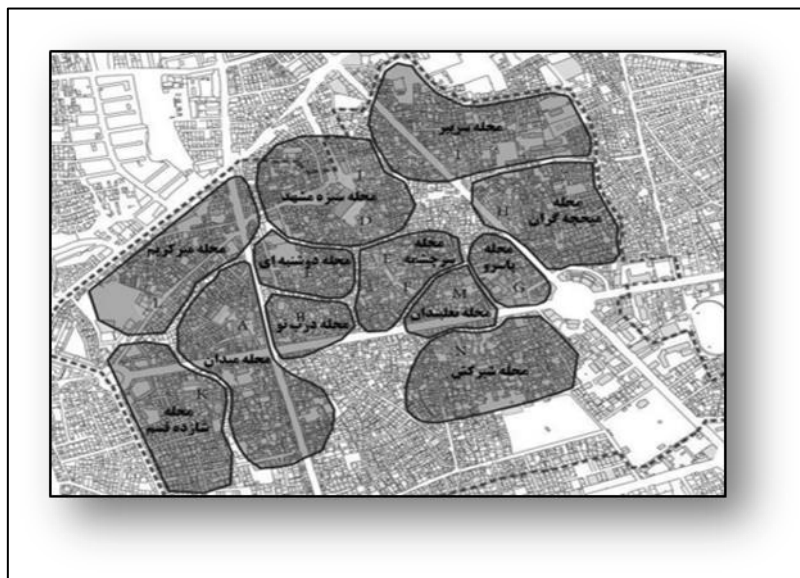
پژوهش پیش‌روی از نوع کاربردی می‌باشد، که مساله تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی بیان می‌گردد. داده‌ها بصورت کیفی و از نوع پدیدارشناسی یا تفسیرگرایی می‌باشند که روش گردآوری آن‌ها بصورت اسنادی، میدانی، کتابخانه‌ای و مشاهده می‌باشد. از نظر منطق اجرا رویکرد پژوهش حاضر از نوع استقرایی می‌باشد که ابتدا داده‌های نظری در باب مولفه‌های ریخت‌شناسی، کیفیت فضاهای شهری، مولفه‌های شهرایرانی اسلامی و مباحث تئوری از نظرات اندیشمندان، نظریه پردازان و کارشناسان در جهت استخراج معیارهای منتخب از طریق مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری می‌گردد و سپس جهت بررسی تطبیقی بافت بومی و جدید از داده‌های متکی بر مشاهدات میدانی در سطح شهر استفاده می‌گردد. به عبارتی روشن‌تر در این بخش اطلاعات پس از شناخت، گردآوری و طبقه‌بندی به صورت مقایسه‌ای تجزیه و تحلیل می‌گردند.

یافته‌ها و مباحث

محدوده مورد مطالعه

منطقه مطالعاتی این تحقیق، شهر گرگان به عنوان مرکز استان گلستان است. آب و هوای استان گلستان تحت تاثیر عوامل گوناگونی چون عرض جغرافیایی، ارتفاع و امتداد رشته کوه‌های البرز، فاصله از دریا، بیابان ترکمنستان، جلگه سیبری در شمال روسیه، وزش بادهای محلی و ناحیه‌ای، جابجایی توده‌های هوای شمالی و غربی و پوشش متراکم جنگلی از تنوع ریادی برخوردار است. با توجه به خصوصیات دما و بارش در استان گلستان انواع آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای، معتدل کوهستانی، سرد کوهستانی، خشک و نیمه خشک، مرطوب و نیمه مرطوب رامی‌توان در این استان مشاهده کرد. بر اساس طبقه‌بندی کوپن اقلیم گرگان از نوع آب و هوای مدیترانه‌ای می‌باشد. از خصوصیات این اقلیم، استقرار پرفشار جنب حاره در تابستان و خشکی این فصل است. اما در زمستان این پرفشار عقب‌نشینی کرده و بادهای غربی بر منطقه حاکم شده و بارش‌های زمستانه را ایجاد می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۵). شهر گرگان در بخش جنوبی استان گلستان واقع شده است. این شهرستان از شمال به شهرستانهای آق‌قلا و بندر ترکمن، از جنوب به استان سمنان، از شرق به شهرستان علی‌آبادکتول و از غرب به شهرستان کردکوی محدود می‌شود. بافت تاریخی

گرگان نخستین بافت تاریخی کشور می باشد که در سال ۱۳۱۰ ثبت آثار ملی کشور شده است و بناهای ارزشمند بسیاری در این بافت قرار گرفته اند. بافت قدیم گرگان را مجموعه ای از محلات مسکونی و مراکز محلات تشکیلات می دهد. سیر تحول آنچه که در حال حاضر بافت گرگان نامیده می شود حاکی از تجمع اولیه سه محله اصلی سبزه مشهد، میدان و نعلبندان می باشد که بتدریج و تا به امروز در جهات مختلف به خصوصی شرق و جنوب شرقی گسترش یافته اند. در هر سمت شهر یک محله قرار داشت و هر محل نیز مرکزیت خاص خود را دارا بود. محله اصلی سبزه مشهد با مرکزیت سبزه مشهد، شامل محله های سرچشمه، سرپیر، دباغان، نقارچیان و گذرهای چهارشنبه ای، قاپی و... بود. محله اصلی میدان، به مرکزیت میدان عباسعلی، شامل محله های دربنو، دوشنبه ای، شاهزاده قاسم (دوچناران)، میر کریم و گذرهای قیصریه، بادگیر، پشت باره و... بود. محله اصلی نعلبندان هم به مرکزیت نعلبندان، شامل محله های پاسرو، میخچه گران، شیر گش، باغشا و گذرهای علاقه بندان، چهل ستون و سرپیر بود. بافت قدیمی یاد شده که از اهمیت زیادی در تطور تاریخی شهر گرگان برخوردار است؛ در دوره قاجار شکل گرفته است. لذا آثار مهمی از این دوره در در شهر باقی مانده است که میراث معماری و شهرسازی سده های معاصر می باشد.



شکل ۱. محلات قدیمی گرگان

(ماخذ: موسوی سروینه باغی و همکاران، ۱۳۹۴)

کیفیات ریخت شناسی

با بررسی و تبیین دیدگاه های نظری حاکم بر موضوع ویژگیهای هویتی فضاهاى شهری وسکونتگاهی بومی از سوی اندیشمندان، صاحب نظران و کارشناسان در این حوزه می توان به کیفیات ریخت شناسی پرداخت. این بررسی با الهام از دیدگاه های موجود، اقتباس از پژوهش های موجود و همچنین الحاقاتی به آن از دیدگاه نگارنده انجام می گیرد.

توحید، عبادت، تقوی، هدایت، ذکر و تفکر، عدالت، اصلاح، شکر، عبرت، امنیت، احسان و میانه

محمد نقی زاده

روی

اصل عدالت محوری، اصل سیر از کثرت به وحدت، اصل سیر از ظاهر به باطن، اصل رده بندی

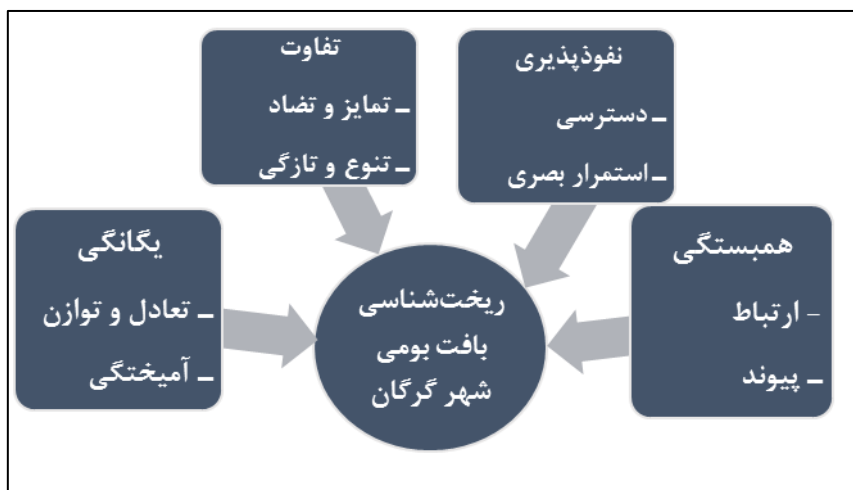
عبدالحمید نقره کار

اهداف کمی و کیفی	
کثرت، تنوع، پیچیدگی، شفافیت	هادی میرمیران
سلسله مراتب، راه های باریک، نامنظم و پیچیده، حریمیت، تضاد و تباین، بوم گرایی	ایرج اعتصام
نظم، تقارن، امنیت، حیات جمعی، حریمیت، تاکید بر نمادها و نشانه ها و مؤلفه های زمان	علی اکبر صرمی
یگانگی، بندگی، پارسایی، رهنمودی، یادآوری و اندیشیدن دادگری، نیکخواهی، شکر، پندآموزی، آسایش، مهرورزی و میانه روی	محمود رضایی
نفوذپذیری، گوناگونی، همپیوندی و وحدت	بهزاد فرورضوانی
تعاملات انسانی، حافظه ی تاریخی، هنر	نصروماجدی
عملکردی، تجربی-زیباشناختی و زیست محیطی	کوروش گلکار
مؤلفه های کالبدی: تناسبات بصری، تبدیل پذیری کالبدی، زمینه و تشخیص سیما، شفافیت، غنا و تنوع کالبدی مؤلفه معنایی بر ایند ^۳ مؤلفه کالبدی، عملکردی، اجتماعی و شامل: خوانایی، غنای حسی، سرزندگی، قابلیت زیست، حس تعلق، حس زمان، تشخیص و هویت، تجسم پذیری، حس مکان	ذکاو و سادات
زیبایی شناسی حسی، زیبایی شناسی نمادین و زیبایی شناسی فرمی	جان لنگ
ریتم، پیچیدگی و تناسب	تارکایسیو و دیسلی
نفوذپذیری (دسترسی)، تنوع (تنوع عملکردی، تنوع فرم ها و تنوع اشخاص و گروه های اجتماعی)، خوانایی (قابلیت قرائت آسان محیط)، انعطاف پذیری (توانایی و قدرت فضا)، سازگاری بصری (متناسب بودن خصوصیت بصری محیط با عملکرد و معنی محیط)، غنا (توجه به ظرافت در محرکهای حسی مختلف) و قابلیت شخصی سازی (تعلق)	بتلی و همکارانش

شکل ۲. ویژگی های هویتی فضاها شهری و سکونتگاهی بومی

(ماخذ: نگارنده و اقتباس از شکوهی بیدهندی، سبحانی و ژند، ۱۳۹۷)

یافته های تحقیق بیانگر آن است که چهار مولفه اصلی و هشت مولفه فرعی را می توان برای بافت بومی شهر گرگان تعیین نمود.



شکل ۳. مولفه های اصلی و فرعی بافت بومی شهر گرگان

(ماخذ: نگارنده و اقتباس از بهزاد فر و رضوانی، ۱۳۹۴)

۱-ارتباط و پیوند

محلات قدیمی شهرگران به گونه ای شکل گرفته اندکه گذرهای پرپیچ و خم موجود، در نهایت به فضاهای میدانگاهی یا همان مرکز محلات منتهی می گردند و در حقیقت یک بافت یکپارچه را ایجاد کرده اندکه خود حاصل ارتباط و ترکیب فضاهای متوالی است.

این همبستگی و پیوند موجود در فضاها باعث نوعی جذب، کشش و میل به حرکت در ناظران می گردد که در نهایت رفت و آمد ساکنین را به دنبال دارد. پیوند موجود میان فضاهای برجسته و ممتاز (مسجد، بازار، بناهای ارزشمند و...) در بافت بومی که متناظر از همجواری آن ها بایکدیگر می باشد، منجر به درک پیوسته فضاها برای رهگذران گردیده و حرکت در بافت را جاری می نماید.

بانگاهی به بافت جدید عدم همبستگی به وضوح پیداست، به گونه ای که ساخت و سازهای جدید با عقب نشینی اندک، منجر به ایجاد کوچه هایی پیچ در پیچ با ساختمان های چند طبقه که حس خفگی را برای عابران به بار می آورد شده اند. این کوچه ها نه تنها به فضاهای میدان گاهی ختم نمی گردند بلکه نهایتا به خیابان های دراز و طولیل ملحق می گردند. با ایجاد میدانچه هایی در بافت های جدید می توان علاوه بر فراهم کردن مکانی برای گرد آمدن ساکنین به دور یکدیگر و ایجاد حس تعلق مکان، به فضاها تنوع بخشید. هم چنین ساخت و سازهای ناهمگون در بافت تاریخی شهر منجر به عدم ارتباط و پیوستگی بناها در آن شده است که این امر چهره نازیبای شهری را به همراه دارد. ساختمان های جدید در کنار بناهای قدیمی نه تنها هیچ سنخیتی بایکدیگر ندارند بلکه پیوستگی چهره شهری را قطع نموده اند. این عدم همبستگی در بافت جدید شهر نیز مشهود می باشد. به گونه ای که نماهای جدید اعم از مدرن و کلاسیک علی الخصوص نماهای رومی چهره ی شهر را آشفته نموده است که بی شک الزام وضع قوانین سختگیرانه تری را از جانب شهرداری می طلبد.



شکل ۵. عدم ارتباط و پیوند در بافت جدید

شکل ۴. ارتباط و پیوند در محله سرچشمه



شکل ۶. ساخت بنای جدید در کنار بنای قدیمی

۲- نفوذپذیری

۱- دسترسی

تأمین دسترسی، در محیط های شهری صرفاً به معنای ایجاد امکان حرکت برای رسیدن به مکان های مورد نظر ساکنین نمی باشد بلکه این دسترسی باید با کاربری های شهری و نیازهای شهروندان سنخیت داشته باشد که به این نوع دسترسی، دسترسی بهینه می گویند. در بافت تاریخی شهر که کاملاً ارگانیک و نامنظم شکل گرفته است، عمده معابر اصلی جنوب به شمال با عرض پنج تا هفت متر و معابر فرعی شرقی-غربی با عرض سه تا چهارمتر می باشند و معابر بن بست نیز عرضی معادل یک تا دو متر دارند.

معابر موجود در بافت کهن پیوسته و مرتبط با یکدیگر بوده و خدمات رسانی و دسترسی ها با سهولت بیشتر و سرعت بالاتری انجام می گرفت و مراکز محله ها عموماً در مسیر راه های محلی اصلی محلات و تقاطع چند راه محلی فرعی قرار می گرفتند. بدین صورت تمام نقاط محله را تحت پوشش قرار می دادند و در ایام خاص و زمان اجرای مراسم مذهبی موجب انسداد راه های محلی فرعی نمی شدند (موسوی سروینه باغی، مرادی، رنجبر، ۱۳۹۴، ۷۴). امروزه در شهرگران در بسیاری از محلات عمومی شهر معابر بدون تعریض مشکلات بسیاری را برای رفت و آمد ساکنین ایجاد کرده است و دسترسی ها ناکارآمد می باشند به گونه ای که اگر یکی از کوچه ها مسدود گردد ممکن است تردد برای دیگر کوچه ها نیز ناممکن سازد. ایجاد گذرهای نفرو با عرض حداقل دو تا سه متر می تواند دسترسی بهتری را برای شهروندان ایجاد نماید.



شکل ۹. معابر بدون تعریض



شکل ۸. نمونه ای از معابر موجود در بافت

۱- استمرار بصری

هارمونی منظم خطوط، فرم، رنگ و بافت در جداره های بناها منجر به تداوم و استمرار عینی بصری می گردد. عناصری چون خط آسمان در محلات مسکونی خود، تبلور پیکره بنا در کالبد خیابان می باشند و علاوه بر ایجاد نظم در بافت موجود نوعی تنوع به محیط می بخشند. این استمرار بصری با نگاهی به جداره بناها و در قالب پنجره ها، ایوان ها، شیروانی ها، رنگ آجری دیوارها و... کاملاً مشهود می باشد. اما در دهه های اخیر بافت جدید شهر که به

دور از ملاحظات زیبایی شناسی و ریخت شناسی شهری و نادیده گرفتن ضوابط موجود شهرسازی در جای جای شهر ظهور پیدا کرده است، استمرار بصری را در چشم ناظر مخدوش نموده و تداوم عینی کالبد شهر را قطع کرده است. مقایسه ساختمان سابق بانک صادرات با ساختمان جدید آن در میدان شهرداری که با فرم و نمایی کاملاً متفاوت از معماری اصیل بافت قدیمی آن ساخته شده است نشان می‌دهد که چگونه خط آسمان شهری در این محدوده از بین رفته است.



شکل ۱۱ و ۱۰. مقایسه ی استمرار بصری در جداره ی میدان شهرداری

(ماخذ: مهندسین مشاور طرح و معماری، ۱۳۷۴)

۳- تفاوت

۱- تمایز و تضاد

دو خصوصیت تمایز و تضاد در کنار یکدیگر منجر به ایجاد احساس هیجان در ناظران می‌گردد و آن‌ها را مجذوب خویش می‌کند. کوچه‌ها و گذرهایی که تنگ و باریک می‌شوند و چهره ی یکسانی ندارند نمونه بارز این ویژگی می‌باشند. حتی در بعضی از گذرها شیرسرهای بناهای طرفین کوچه آن قدر به هم نزدیک می‌شوند که گویی آسمان در شکافی باریک مبحوس شده است. امروزه تفاوت، تبدیل به همسانی در چهره شهرها شده و شهروندان به جای مشاهده ی تمایز و تضاد در سیمای شهری شاهد چهره یکسان و نامانوس در کالبد شهر می‌باشند. خیابان‌ها و کوچه‌هایی که بی هیچ تفاوتی مانند یکدیگر شکل گرفته اند نه تنها جذابیتی برای عابریان ندارند بلکه طولانی بودنشان خستگی را برای آن‌ها به بار می‌آورد.

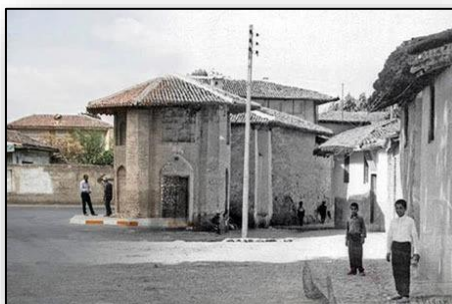


شکل ۱۳. چهره ی یکسان کوچه‌ها در بافت معاصر

شکل ۱۲. تمایز و تضاد در گذر باقری

۲- تنوع و تازگی

تفاوت فرم ها و فعالیت ها منجر به سرزندگی محلات و کشش مردم به درون بافت می شد. آنچه در خصوص شکل کالبدی و نوع چیدمان فضاها در شبکه بافت بومی شهرگران حائز اهمیت می باشد؛ بیان کننده این نکته است که فضاها به گونه ای از پی هم پدیدار شده اند که عابر، فضاها را متفاوت و قابل تمایز یکدیگر را به عنوان فضاها متوالی با هم ادراک کرده است (بهزادفر، رضوانی، ۱۳۹۴، ۱۵). اصولاً در بافت تاریخی شهر زمین های موجود، نامنظم بوده اند و از شکل های هندسی منظم نظیر مربع و مستطیل تا شکل های نامنظم و حتی بی شکل را می توان مشاهده نمود. یکی از مشکلاتی که در شهرسازی امروز وجود دارد وجود خیابان های دراز و یکنواخت در سطح شهر می باشد که فارغ از نازیبایی چهره ی شهرها یکنواختی محیط شهری را رقم می زند و گاه عابران را در کوچه های باریک، پیچیده و دراز سردرگم می کند. این حالت خطی و خسته کننده را می توان با ایجاد فضای شکسته و فضاها تنگ و گشاد متفاوت اما موزون و متصل به بدنه اصلی، تعدیل نمود و علاوه بر کوتاه نمودن مسیر، تنوع و تازگی بصری ایجاد کرد. همچنین ایجاد فضاها مکث در محدوده و افزایش تمایل به حضور و مکث در فضا از طریق ارتقای کیفیت فیزیکی و زیبایی شناسانه بافت از دیگر راهکارها می باشد.



شکل ۱۵. کوچه های باریک، یکنواخت و تودرتو

شکل ۱۴. ایجاد شکستگی در گذرها

۴- یگانگی

تعادل و توازن

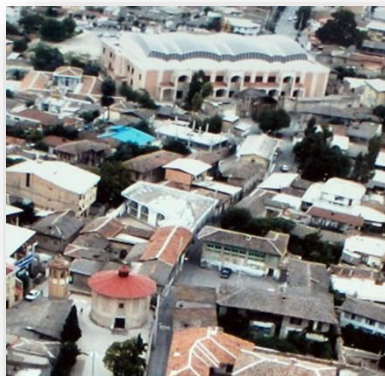
تعادل در کالبد شهرها به معنی همترازی وزن بصری در نماست که منجر به زیبایی کالبدی شهر خواهد شد و بی شک اگر این نیروها یکدیگر را خنثی نکنند تعادل و توازن بصری از بین خواهد رفت. اغلب بناهای موجود در بافت بومی شهرگران دارای تقارن، تعادل و ریتم خاصی می باشند که این تعادل نه تنها در بدنه نماها خودنمایی می کند بلکه در پلان های داخلی بناها نیز مشهود می باشد. بانگاهی به فرم بدنه ها و قرارگیری بازشوها نسبت به ساختار کلی بافت می توان این ویژگی را درک نمود. امروزه اغلب بناهای ساخته شده در بافت مرکزی و عمومی شهرگران فارغ از هرگونه تقارن، تعادل و ریتم خاص می باشند و تناسب کلی افقی و عمودی جداره ها، دربها و پنجره ها در ارتباط با کل بافت، مفهومی ندارند.



شکل ۱۷. عدم تعادل در جداره ها آمیختگی

شکل ۱۶. ریتم در جداره بناها

قرارگیری بناهای متفاوت در بافت شهری اگر همراه با وحدت شکلی نباشد پیوستگی کالبدی رابه همراه نخواهد داشت. در بافت بومی شهر، مجموعه های ارزشمندی که در کنار یکدیگر قرار گرفته اند در ترکیب با یکدیگر بیانگریگانگی کلی می باشند. به عبارتی دیگر بناها به گونه ای بایکدیگر آمیخته شده اند که کلیتی یکپارچه یافته اند و وحدت و یگانگی نه تنها در تک تک اجزا کالبدی بناهای بافت حکمفرما و هویداست بلکه باکل مجموعه نیز بیگانه نیست. اما چهره امروز شهرگران فاقد روح و هویت شهری می باشد و مدیران آن به افزودن سازه های نامناسب در پیکره شهر اکتفا می کنند. نبود نظارت کافی شهرداری ها بر ساخت و سازها سبب شده تا در ارتفاع سازی و نماهای شهری توازن برقرار نشده و سیمای شهرها نامطلوب و نامناسب به نظر برسد. در ساخت و سازهای جدید شهر هیچ گونه ارتباط معناداری میان جز و کل دیده نمی شود و ترکیب نامناسب بناها چهره ای نامنظم به کالبد شهر بخشیده است. به عنوان نمونه ساخت ساختمان جدید مصلی علاوه بر مخدوش نمودن خط آسمان بافت در محله سرچشمه هیچ گونه سنخیتی با بافت پیرامون خود ندارد و نمونه بارز ترکیبی نامناسب در این محدوده می باشد.



شکل ۱۸. وحدت در جداره ها (ماخذ: negahmedia.ir) شکل ۱۹. ترکیب نامناسب در بافت

نتیجه گیری

یافته های پژوهش بیانگر آن است که محلات کهن شهرگران در بعد ریخت شناسی، تغییرات گسترده ای در ساختار شهر ایرانی-اسلامی نداشته اند و مولفه های ارزشمند شهرسازی ایرانی-اسلامی در آن ها کاملاً مشهود می باشد اما این محلات از مداخلات کالبدی گسترده ی دهه های اخیر در امان نبوده و بیم ویرانی آن ها می رود. تخریب بناهای

قدیمی و ایجاد بناهای نوساز با ضوابط غلط شهرسازی چهره کالبدی محلات را مخدوش نموده است و ایجاد خیابان های جدید در این محلات نه تنها کالبد محلات را ویران نموده است بلکه ساختار سلسله مراتبی شبکه معابر و عناصر عملکردی آن ها را نیز ناهمگون کرده است. با توجه به اینکه فقط می توان تعدادی از بناها و محلات ارزشمند را که ارزش تاریخی دارند حفظ نمود و بناهای موجود تخریب گشته و ساخت و ساز شهری انجام می گیرد، توجه به این نکته الزامی است که ارج نهادن به اصول طراحی بافت های قدیمی و خصوصیات کالبدی-ریخت شناختی می تواند منجر به الگویی صحیح و ماندگار جهت طراحی در بافت های جدید شهری گردد. به عبارتی روشن تر شهرسازی امروز موظف است تا ارزشهای ایرانی-اسلامی را با نیازهای امروز تطبیق داده و به ساخت شهر ایرانی-اسلامی کمک نماید.

منابع

- اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۳)، معنا و مفهوم شناسی شهر ایرانی-اسلامی؛ مبانی نظری و مصداق ها، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه های شهر اسلامی، مشهد، شورای اسلامی شهر مشهد
- بهزاد فر، مصطفی و رضوانی، نوشین (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی هنجارهای ریخت شناسی شهرسازی اسلامی در بافت تاریخی، (مورد کاوی: محله سرچشمه شهر گرگان)، پژوهش های معماری اسلامی، ۳(۶)، ۳-۲۱
- بیرانوند، فروزان و ملک حسینی، عباس (۱۳۹۸) عوامل پایداری هویتی مرکز شهر خرم آباد با تأکید بر قلعه فلک الافلاک، مطالعات هنر اسلامی، ۱۵(۳۵) ۳۱۸-۲۹۱
- پورمقدم، آيسان، فرامرزی اصلی، مهسا، موسوی، میر سعید و عبدالله زاده طرف، اکبر (۱۳۹۹) ارزیابی کیفیت های مؤلفه ی تجربی-زیباشناختی در طراحی شهری (نمونه موردی خیابان جمهوری شهر تبریز)، دانش شهرسازی، ۴(۲)، ۷۶-۵۹
- رضایی، محمود (۱۳۹۲) ارزشهای جاوید و جهانگستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرشهای فراکالبدی و فرازمانی شهر اسلامی)، پژوهشهای جغرافیای انسانی ۴۵(۳)، ۱۶۹-۱۹۰
- عابدی، محمدحسین و محمدیان یامی، فرزانه (۱۳۹۷) زیبایی شناسی و بازشناسی اصول آن در معماری اسلامی، معماری شناسی ۱(۴)، ۱-۱۰
- گلکار، کورش (۱۳۸۰) مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری. صفة، ۱۱(۳۲)، ۳۸-۶۵
- شکوهی بیدهندی، محمد صالح، سبجانی، علی، ژند، سپهر، (۱۳۹۷) آسیب شناسی پروژه ی مسکن مهر با توجه به آموزه های شهرسازی الگوی بومی سکونت (مورد مطالعاتی: بندر خمیر)، پژوهش های معماری اسلامی، ۳(۶)
- محمدی، حسین، آب و هواشناسی کاربردی، ۱۳۸۵، انتشارات دانشگاه تهران
- محملی ایبانه، حمیدرضا (۱۳۹۰) مقایسه تطبیقی مکاتب مطالعات مورفولوژی شهری به منظور تکمیل آن بر اساس دستگاه تحلیلی مکتب اقتصاد سیاسی فضا، آرمانشهر، ۴(۷)، ۱۵۹-۱۷۱

موسوی سروینه باغی، الهه سادات، مرادی نینا، رنجبر، احسان. (۱۳۹۴). گونه شناسی کالبدی میدان های مرکز محله در بافت تاریخی گرگان، مطالعات شهرایرانی اسلامی، ۶(۲۱)

مهندسین مشاور طرح و معماری، طرح جامع شهر گرگان، مرحله اول، جلد اول

نصر، طاهره و ماجدی حمید (۱۳۹۲) نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی معماری و شهرسازی، آرمان

شهر، ۶۱۳۹۲(۱۱)، ۲۶۹-۲۷۷

نقی زاده، محمد (۱۳۸۶) رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی، ۱۳۷۹، هنرهای زیبا، شماره ۷

نقی زاده، محمد، (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی

شهرداری اصفهان

Carmona, M., Tiesdell, S., Heath, T. & Oc, T. (2003). Public Places Urban Spaces- The Dimension of Urban Design. UK, Oxford: Architectural Press.

Cortes, Camila Pinzon (2004, a). Morphologies of Fragmentation and Continuity. Paper for the AESOP – APE- RAU PhD Workshop, Aix-en-Provence, France

Lang, J. (1987). Creating architectural theory: The role of the behavioural sciences in environmental design. New York: Van Nostrand Reinhold

Tarcísio da Luz Reis, Antônio and Maria Cristina Dias Lay. (2010). Internal and External Aesthetics of Housing Estates. 42(2)271-294

Abedi, M, Mohammadian Yami, F (2018). Aesthetics and recognizing its principles in Islamic architecture, Architecture 1 (4), 1-10. (in Persian)

Behzadfar, M, Rezvani, N. (2015). Comparative study of morphological norms of Islamic urban planning in historical context, (Case study: Sarcheshmeh neighborhood of Gorgan), Islamic Architecture Research, 3 (6), 3-21. (in Persian)

Biranvand, F & Malek Hosseini, A (2019) Factors of Identity Persistence in the City of Khorramabad with Emphasis on Falak Al-Aflak Castle, 35(15) (in Persian)

Bemanian, M. (2014). Islamic Iranian city: meaning and conceptualization of Iranian-Islamic city 6th National Conference on Urban Planning and Management with Emphasis on the Element of Islamic City, Mashhad, Iran. (in Persian)

Design and architecture consulting engineers, comprehensive plan of Gorgan city. (1995). First stage, first volume. (in Persian)

Golkar, k. (2001). Components of Urban Design Quality. Soffeh, 11(32), 38-65. (in Persian)

Mahmoli Abyaneh, H. (2011). Comparative comparison of schools of urban morphology studies in order to complete it based on the analytical apparatus of the school of political economy of space, Armanshahr, 4 (7), 159-171. (in Persian)

Ministry of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Golestan Province. (in Persian)

9-Mohammadi, H, Applied Climatology (2006), University of Tehran. (in Persian)

Mousavi Sarvineh Baghi, E, Moradi N, Ranjbar, E. (2015) Physical typology of downtown squares in the historical context of Gorgan, Islamic Iranian city studies, 6 (21) 67-78. (in Persian)

Pourmoghaddam, A., Faramarzi Asli, M., Moosavi, M., & Abdollahzadeh Taraf, A. (2020). Assessing the Qualities of Empirical-Aesthetic Factor in Urban Design; a Case Study of Jumhuri Street in Tabriz. Urban Planning Knowledge, 4(2), 59-76. (in Persian)

Rezaei, M. (2013). Eternal and universal values of Islamic urban planning (representation of transnational and transtemporal attitudes of Islamic urbanism). Human Geography Research 45 (3), 169-190. (in Persian)

Shokouhi, M, Sobhani, A, Zhand, S (2019) A Critique on the Urban and Architectural Processes Regarding Mehr Housing Program, in Comparison to the Endemic Architecture and Urban Planning Measures and Values: The Case Study of Khameer Seaport, Journal of Research in Islamic Architecture, 3(6) (in Persian)

Naghizadeh, M.(2008) *Islamic City and Architecture (Manifestations and Objective)*. Isfahan: Mani Publishers

Naghizadeh, M.(2008) The Relationship between the Identity of Iranian Architectural Tradition and Modernism and Modernity, *Honarhay Ziba*,7(in Persian)

Nasr, T, Majedi H. (2013). A look at the category of identity in urban planning, architecture and urban planning, *Armanshahr*, 2013 (5) 11,269-277. (in Persian)

Subject: the comparative comparison of indigenous and contemporary context from the morphological viewpoint of Iranian-Islamic city with identity-oriented approach (case study:Gorgan city)

Vahideh Mojahed

Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Vahid Ghobadian¹

Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Said Tizghalam Zonouzi

Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Gorgan city with a very rich history and several thousand years of self-inherited Qajar architecture is one of the cities that is valuable in terms of morphological characteristics of Iranian-Islamic urban planning and should be considered by designers and urban planners. It seems that despite the rich and valuable historical culture and principles in the field of architecture and urban planning in this city, today's conditions indicate weakness, inefficiency and lack of identity. Lack of a suitable model in accordance with Iranian-Islamic urban planning approaches is one of the most important issues in Gorgan today. This issue finds a special manifestation in the destruction of historical and urban contexts, so that the architecture and urban planning of the past is forgotten and its identity is destroyed in the hands of modern architecture. The purpose of this study is to extract the morphological components of Iranian-Islamic cities from the point of view of experts and to compare the old and new contexts in Gorgan from this perspective. The purpose of this research is applied, which is a descriptive-analytical research problem. First, theoretical data on morphological components, quality of urban spaces, Iranian urban components and theoretical issues are collected from the views of thinkers and theorists in order to extract selected criteria through documentary and library studies. To be. The research findings indicate that four main components and eight sub-components can be determined for the native architecture and urban planning of Gorgan. In terms of morphology, the ancient neighborhoods of Gorgan have not undergone extensive changes in the structure of the Iranian-Islamic city of Gorgan, and valuable components of Iranian-Islamic urbanism are fully evident in them, but new constructions in ancient neighborhoods are far from Iranian-Islamic. It has become urban.

Keywords: Morphology, Iranian-Islamic cities, Gorgan, identity.

¹ . Corresponding author: v_ghobad@yahoo.com